خواست وخدای تعالی دعای وی اجابت کرد ووی گفته که در بدایت حال مرا نزد دافقا
چیان انقطاع وبودن در بیابان ومیان آبادانی وبازگشتن وشهر وصحبت علما وصرف
کردند که در زیر کوه ولی هست قصد زیارت وی کردم شب هنگامی بدانجا رسیده با خود
گفتم در زیست پیش وی بتر وه تر در غار بخفتم شنیدم که از درون می گوید که بار خدایا بدرستی
که مردم چند هستند از بندگان تو که از تو میخواهند که خلق خود را مسخر ایشان گردانی
واز تو بآن راضی شدند وبدرستی که من از تو میخواهم که خلق خود را بدو خوی کردانی با من
یا صراهیج ملجا نباشد الا حضرت تو با خود گفتم ای نفس بشتاب که این شیخ از کدام مجرا عراق
می کند چون بامداد کردم پیش وی در آمدم وبروی سلام کردم واز هیبت وخوف
او بهر آمدم وگفتم یا سیدی حال چیست گفت شکایت میکنم بخدای تعالی از بد
وتسلیم یعنی رضا همچنان که تو شکایت میکنی از خوند پیر واختیار گفتم مرا چه
تند پیر واختیار می دانم واین زمان در ایام بر تسلیم ورضا چیست وچرا از آن شکایت میکنی
گفت می ترسم که حلاوت او مرا مشغول گرداند از خدای تعالی گفتم ای سیدی شنیدم
که شب می گفتی بار خدایا مردم چند هستند از بندگان تو که میخواهند که خلق خود را مسخر
ایشان گردانی ومسخر گردانیدی واز تو بآن راضی شدند شیخ تبسم کرد وگفت ای فرزند آنکه
میگوی اللهم سخر لی بگوی اللهم کن لی تو گمان می بری که خدای تعالی هر که را باشد او مجری
محتاج شود این بدلی چیست ودر سنه اربع وستین وستمائه برقه از دنیا در وقت
وجه مکه مبارکه در صحرای که آب شور داشت چون ویرا بخاک فرو کردند بیرکت وجود

وآب

وتواب او آب آن صحرا شیرین شد **شیخ یاسین المغربی الحجام الاسود** وی از ارباب
ولایت واصحاب کرامت بود اما در صورت حجامی آزا پوشیده میداشت امام نواوی
از جمله مریدان ومعتقدان وی بوده وبزیارت وی می رفته است وبخدمت وصحبت
وی تبرک می جسته وبهرچه اشارت کردی بآن موجب ترقی روزی وی گفت که کتابها
که پیش تو مستعار است بخداوند انش باز ده وبدیار خود مراجعت نمای واهل خود را زیارت
کن سخن ویرا قبول کرد چون بدیار خود رسید واهل خود را دید سپار شد ووفات کرد
تو فی الشیخ یاسین فی شهر ربیع الاول سنه سبع وثمانین وستمائه وکان عمره ثمانین
رحمه الله تعالی **شیخ عفیف الدین التلمسانی رحمه الله** نام وی سلیمان بن علی
بعضی از فقها به زندقه والحاد منسوب داشته اند ودر بیان او ذکر ده که ویرا گفتند
یکبار که انت نصیری وی گفت نصیری بعض منی وبدقائق براصطلاحات ایشان
پوشیده نباشد که یکی از مقامات ایشان مقام جمع است که صاحب آن مقام همه اجزا
وجود را بعارض وتفاصیل خود میداند وهمه را در خود مشاهده میکند چنانکه گفته اند
جزوه درویش است جمله بیک وید ووی کتاب منازل السائرین را که از مصنفات
شیخ الاسلام خواجه عبد الله الانصاری الهرویست شرح نیکو کرده است هر کرا اندک
اندک چاشنی از مشرب این طایفه باشد داند که سخنان وی که در انجا مذکور است کثیر
مبنی بر قواعد علم وعرفان وذوق ووجد است وهمچنین ویرا دیوان شعر است در کمال
لطافت وعذوبت هر که آنرا مطالعه کند داند که از سرچشمه کدر هر بعنان ذلک

Copyright © King Saud University